دریچه

ساماندهی کودکان کار

کودکانی که به‌جای نشستن پشت نیمکت‌های مدرسه، ساعت‌های طولانی را در خیابان‌ها، کارگاه‌ها یا کنار دست خانواده‌هایشان می‌گذرانند همچنان یکی از نمودهای آشکار آسیب‌های اجتماعی هستند. حالا سازمان بهزیستی از آغاز مرحله تازه‌ای برای ساماندهی و حمایت از این کودکان خبر می‌دهد؛ برنامه‌ای که قرار است با تقسیم وظایف میان دستگاه‌های مسئول از اقدامات پراکنده فاصله بگیرد و مسیر حمایت اجتماعی را هموارتر کند.

سیدحسن موسوی چلک، معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به وضعیت کودکان کار گفت: «بیش از ۸۰درصد این کودکان با هدف کمک به تأمین معاش خانواده وارد بازار کار شده‌اند.» به گفته او، کودکانی که محل زندگی و کارشان خیابان است و همچنین کارتن‌خواب‌ها کمتر از ۱۰درصد این گروه را تشکیل می‌دهند. این آمار نشان می‌دهد که مسئله کودکان کار را نمی‌توان تنها در حضور آنها در خیابان خلاصه کرد. بخش قابل‌توجهی از این کودکان درگیر شرایط اقتصادی خانواده هستند و حمایت از آنها بدون توجه به وضعیت معیشتی والدین نمی‌تواند به نتیجه‌ای پایدار برسد.

مسیر ساماندهی کودکان کار

موسوی چلک با اشاره به مسئولیت حدود ۱۳دستگاه اجرایی در حوزه کودکان کار خیابانی گفت: «اگرچه مدیریت این حوزه بر عهده سازمان بهزیستی است، اما حمایت مؤثر از کودکان، نیازمند همکاری همه دستگاه‌های مسئول است. در همین زمینه، کارگروهی ذیل شورای اجتماعی کشور با مسئولیت بهزیستی تشکیل شده و تقسیم کار میان دستگاه‌ها در حال انجام است. قرار است وظایف مشخص‌شده به‌زودی برای اجرا ابلاغ شود.»

کودکان نیازمند حمایت اجتماعی‌اند، نه نگهداری

توسعه مراکز روزانه ویژه کودکان کار از دیگر برنامه‌های بهزیستی است. این مراکز قرار است دسترسی کودکان به خدمات آموزشی، بهداشتی، سلامت و حمایت‌های اجتماعی را افزایش دهند. به گفته معاون سلامت اجتماعی این سازمان، رویکرد بهزیستی تقویت خدمات اجتماعی و کاهش اتکا به نگهداری کودکان است؛ رویکردی که حضور مؤثر کودکان در خانواده، مدرسه و جامعه را دنبال می‌کند. موضوع کودکان کار اتباع نیز در دستور کار قرار دارد. بهزیستی قرار است با مشارکت مرکز امور اتباع وزارت کشور، آموزش و پرورش و مرجع ملی راهکارهای حمایت از کودکان دارای مجوز اقامت و فاقد مجوز را بررسی کند.



اصل و شرح

ثبت‌نام مرحله دوم وام اشتغال سربازان ماهر

سازمان وظیفه عمومی فراجا از ادامه ثبت‌نام مرحله دوم وام اشتغال‌زایی سربازان ماهر منقضی خدمت خبر داد. این تسهیلات به افرادی تعلق می‌گیرد که از اول مهر ۱۴۰۰ تا پایان شهریور ۱۴۰۴ خدمت خود را به پایان رسانده و کارت پایان خدمت دریافت کرده‌اند، اما در مرحله نخست موفق به ثبت درخواست نشده‌اند. متقاضیان باید با بارگذاری مدارک مهارتی در سامانه سماسو به نشانی reg.samasoo.ir درخواست خود را ثبت کنند. اولویت پرداخت وام با برگزیدگان مسابقات مهارتی، سربازان متأهل و افرادی است که زودتر ثبت‌نام کرده و مدارک خود را تکمیل کنند.

۳۶۴ دانش‌آموز شهید

گفت‌وگوی همشهری با مدیرکل امور شاهد و ایثارگران وزارت آموزش‌وپرورش

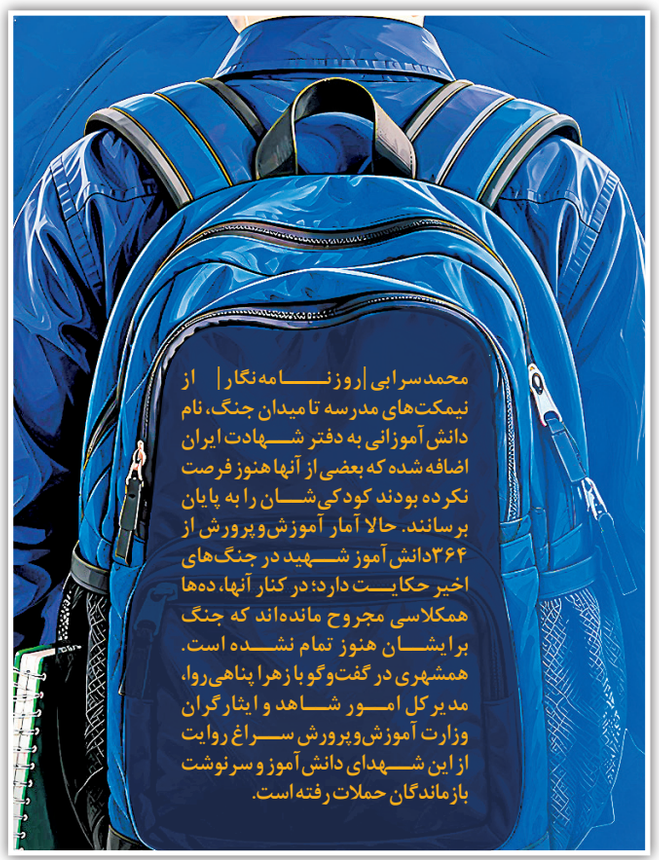
همکلاسی‌های مجروح جنگ

برای بعضی از دانش‌آموزان، جنگ با پایان حملات تمام نشد. آنها که از زیر آوار یا موج انفجار جان به در بردند، حالا با زخم‌هایی زندگی می‌کنند که شاید تا پایان عمر همراهشان بماند؛ از از دست‌دادن شنوایی و بینایی گرفته تا ناتوانی در حرکت و جراحت‌های شدیدی که هنوز روند درمانشان ادامه دارد.

برخی دیگر نیز با آسیب‌های روحی و روانی ناشی از انفجارها و دیدن صحنه شهادت همکلاسی‌هایشان دست‌وپنجه نرم می‌کنند و جنگ همچنان بخشی از زندگی آنهاست.

زهرا پناهی‌روا، مدیرکل امور شاهد و ایثارگران وزارت آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با همشهری از وضعیت این دانش‌آموزان می‌گوید: «برخی از دانش‌آموزان در حملات دشمن جانباز شده‌اند، اما هنوز نام آنها در بنیاد شهید به‌عنوان جانباز ثبت نشده و پرونده‌شان در حال بررسی است. ما به این گروه، مجروحان سخت می‌گوییم. اداره امور ایثارگران متولی تحصیل این دانش‌آموزان است و ممکن است درنهایت این مجروحیت‌ها به جانبازی با تعیین درصد منجر شود.»

به گفته پناهی‌روا، در حملات به سیریک حدود ۲۹دانش‌آموز و در میناب ۴۸دانش‌آموز دچار مجروحیت سخت شده‌اند؛ درمجموع، ۷۷دانش‌آموز مجروح در استان هرمزگان شناسایی شده‌اند.



محمدسرابی | روزنامه‌نگار | از نیمکت‌های مدرسه تا میدان جنگ، نام دانش‌آموزانی به دفتر شهادت ایران اضافه شده که بعضی از آنها هنوز فرصت نکرده بودند کودکی‌شان را به پایان برسانند. حالا آمار آموزش‌وپرورش از ۳۶۴دانش‌آموز شهید در جنگ‌های اخیر حکایت دارد؛ در کنار آنها، ده‌ها همکلاسی مجروح مانده‌اند که جنگ برایشان هنوز تمام نشده است. همشهری در گفت‌وگو با زهرا پناهی‌روا، مدیرکل امور شاهد و ایثارگران وزارت آموزش‌وپرورش سراغ روایت از این شهدای دانش‌آموز و سرنوشت بازماندگان حملات رفته است.

سامانه اطلاعات شهدای دانش‌آموز و فرهنگی

مدیرکل امور شاهد و ایثارگران وزارت آموزش‌وپرورش با اشاره به راه‌اندازی سامانه «مهیج»، بانک اطلاعاتی شهدای دانش‌آموز و فرهنگی گفت: «پایگاه جامع اطلاعات شهدای دانش‌آموز و فرهنگی کامل شده است. ما با استان‌ها هماهنگی‌های لازم را انجام دادیم و الان در مرحله تفاهمنامه‌ها هستیم و با بسیج دانش‌آموزی، بسیج فرهنگیان، معاونت پرورشی و با عواملی که تأثیرگذار هستند، هماهنگی لازم را انجام می‌دهیم تا اطلاعات صحیح از آثار شهدای استان‌ها و مشخصات آنها وارد سامانه شود.»

پناهی‌روا تصریح کرد: «این فرایند حساسی است، زیرا بعد از ۳۸ سال از پایان دفاع‌مقدس نخستین سامانه جامع وزارت آموزش‌وپرورش در این حوزه فعال می‌شود، بنابراین ما از ابتدا باید مستند و معتبر وارد این حوزه شویم تا مشکلی در بارگذاری اطلاعات به‌وجود نیاید.»

مستندسازی آثار شهدای دانش‌آموز

مدیرکل امور شاهد و ایثارگران وزارت آموزش‌وپرورش در باره مستندسازی، ساخت فیلم و محصولات فرهنگ ایثار و شهادت گفت: «در سیاست‌های کاری آموزش‌وپرورش مستندسازی یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها خواهد بود. همیشه و در همه حال این را ابلاغ کرده‌ایم که حتما با نمایشنامه، فیلم و حضور روایت‌های زنده از شهدا بتوانیم فرهنگ ایثار و شهادت را به نسل حاضر و برای نسل‌های آینده منتقل کنیم.»

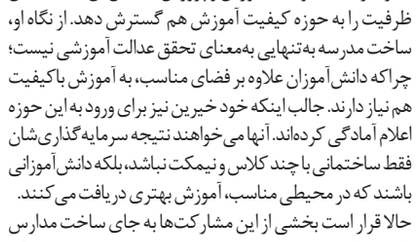
زنده نگه‌داشتن یاد شهدای میناب

مکث

مدیرکل امور شاهد و ایثارگران وزارت آموزش‌وپرورش درباره شهدای مدرسه میناب گفت: «در این حوزه چند صد دیدار از سوی مسئولان وزارت آموزش‌وپرورش، ریاست‌جمهوری و دستگاه‌های دیگر از خانواده‌های این شهدا انجام گرفته است. به‌غیر از استان‌های کشور، فقط در میناب بیش از ۱۰۰بادبود برای این شهدا برگزار شده است.» پناهی‌روا تصریح کرد: «سعی کرده‌ایم برای دانش‌آموزانی که بازمانده این جنایت هستند، جلسات مشاوره برگزار شود. خدمات مشاوره برای این دانش‌آموزان از مباحث اصلی ما بود که وزیر هم بسیار تأکید داشتند. ما برای هر ۴خانواده یک‌مشاور خاص گذاشتیم. همچنین سفرهای زیارتی و تفریحی برای این خانواده‌ها پیش‌بینی کردیم، زیرا مهم بود که با سفر به مشهد و کربلا بتوانند تسکین یابند و از فضای جنگ فاصله بگیرند.»

داده نما

مدرسه‌های پایتخت در مسیر نوسازی



مدرسه‌ها هم مثل آدم‌ها خاطره دارند؛ بعضی از آنها چند نسل دانش‌آموز را به نیمکت‌هایشان دیده‌اند، زنگ‌های زیادی در راهروهایشان به صدا درآمده و سال‌هاست که بخشی از حافظه محله‌های تهران شده‌اند. حالا اما نوبت تازه‌شدن این مدرسه‌هاست؛ نه لزوما به‌دلیل ناایمن بودن، بلکه برای اینکه بتوانند با نیازهای امروز آموزش همراه شوند.

در تهران ۸۰۴مدرسه قدیمی وجود دارد که به‌گفته مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران، برخی از آنها ۶۰ تا ۷۰سال قدمت دارند. مجید پارسا تأکید می‌کند که این مدارس از نظر استحکام بنا مشکلی ندارند، اما قدمت بالای ساختمان‌ها باعث شده که نوسازی و به‌روزرسانی آنها متناسب با شرایط و نیازهای روز در دستور کار قرار بگیرد. تهران برای ساخت مدرسه‌های جدید با محدودیت زمین روبه‌روست و همین مسئله، بازسازی فضاهای آموزشی موجود را به یکی از مسیرهای مهم توسعه فضاهای آموزشی تبدیل کرده است. به همین دلیل، آموزش و پرورش قصد دارد بیش از گذشته از ظرفیت خیرین برای تخریب و بازسازی مدارس قدیمی استفاده کند. البته نقش خیرین قرار نیست فقط به ساخت دیوارها و اضافه‌کردن کلاس‌های درس محدود بماند. به‌گفته پارسا، بیش از ۳۰درصد مدارس شهر تهران خیرساز هستند و حالا آموزش و پرورش به‌دنبال آن است که این ظرفیت را به حوزه کیفیت آموزش هم گسترش دهد. از نگاه او، ساخت مدرسه به‌تنهایی به‌معنای تحقق عدالت آموزشی نیست؛ چراکه دانش‌آموزان علاوه بر فضای مناسب، به آموزش باکیفیت هم نیاز دارند. جالب اینکه خود خیرین نیز برای ورود به این حوزه اعلام آمادگی کرده‌اند. آنها می‌خواهند نتیجه سرمایه‌گذاری‌شان فقط ساختمانی با چند کلاس و نیمکت نباشد، بلکه دانش‌آموزانی باشند که در محیطی مناسب، آموزش بهتری دریافت می‌کنند.

حالا قرار است بخشی از این مشارکت‌ها به جای ساخت مدارس تازه، صرف جان دوباره بخشیدن به مدرسه‌هایی شود که سال‌هاست در محله‌های تهران ایستاده‌اند؛ مدرسه‌هایی که شاید از نظر استحکام هنوز پابرجا باشند، اما برای میزبانی از نسل جدید دانش‌آموزان به امکانات و فضای متناسب با امروز نیاز دارند.

صفحه‌آرا: علی حسنی



کلاه ترامپ با طرح نقشه ایران

انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، نه‌تنها در رسانه‌ها بلکه در شبکه‌های اجتماعی هم ترند بود و در کنار تمام تحلیل‌های سیاسی که از دلیل برد دمکرات‌ها مطرح شد، پیام‌هایی که ترامپ در شبکه اجتماعی خود منتشر کرد نیز به دستاویزی برای طنازان و نکته‌سنج‌ها تبدیل شد. یکی از این واکنش‌ها مربوط به تصویر کلاه قرمز ترامپ با نوشته «وتو» بود که ترامپ به محض شکست هم‌حزبی‌هایش منتشر کرد تا برای دمکرات‌ها خط و نشان بکشد؛ غافل از اینکه قرار است این تصویر به‌دست یک کاربر ایرانی باز تعریف شود. یک ایرانی نقشه ایران را روی کلاه معروف ترامپ حک کرد تا از طریق خود به این انتخابات واکنش نشان دهد.

دود کم دودخانه‌ها

درباره عطر و طعم دود در یکی از چند فل‌خانه باقیمانده گیلان

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | بوی دودی که از درز و شکاف‌های دودخانه (محل دودی‌کردن برنج) کاس آقا حیدری بیرون زده، خیلی بیشتر از عطر بنفشه‌های باغی و بوته‌های ادریسی باران‌خورده‌ای است که همان دوروبر، ته حیاط خانه‌اش، سبز و گلدارند. دودخانه را ۷۰سال پیش پدرش ساخته‌بود؛ با خشت و گل و تیرک‌هایی از چوب درخت بلوط. ۳کارگر در آن مشغول کارند. یکی‌شان، قربانعلی مسئول آتش دودخانه است و روزی چند نوبت با بیل‌دستی، تلنبار خاکسترهای میان یکی از اتاق‌های دودخانه را جابه‌جا می‌کند تا خیالش از اندازه آتش زیر آنها راحت باشد. یکی هم محمد که وظیفه پُرکردن کالبی‌های چوبی (باکس) از شالی‌های تازه را برعهده دارد و حواسش به‌حساب کیلو و رقم (نوع) شالی‌ها و تعداد روزهایی است که شالی‌ها وسط دودخانه عطر و طعم دودی می‌گیرند. دیگری نیز فرخ است که چندوچون دود دودخانه را از مقدار و جنس بار هیزم، میزان پوست و سبوس تا تناسب غلظت دود و وزن شالی‌ها در دست دارد. آبان ماه، فصل شلوغی دودخانه‌های سنتی است که تعداد کمی از آنها فعال باقی مانده و دودخانه حیدری گیلان نیز یکی از آنهاست.







دودی که به شکم می‌رود

کاس‌آقا و بسیاری از اهالی بومی و سن‌وسال‌دار روستاها و شهرهای شمالی، دودخانه را با اسم قدیم آن نام می‌برند؛ «فِل‌خانه». حالا تعداد فل‌خانه‌ها کم است، شاید ۳ و شاید هم ۵فل‌خانه باقی مانده باشد. کاس‌آقا از ۱۰سالگی شالیزار رفته و شالی چیده؛ او دراین‌باره به همشهری می‌گوید: «اون وقتا می‌شد تو حیاط نصف بیشتر خونه‌ها فل‌خونه پیدا کرد، چون همه شالیکار بودن و می‌خواستن شالیاشون رو انبار کنن. اون عده‌ای هم که شالیکاری نداشتن، فل‌خونه‌شون رو به شالیکارای همسایه اجاره می‌دادن.» از بازگویی خاطراتش این نکته برآمد که دودخانه در گذشته، محل انبار و خشک‌کردن شالی‌های تازه‌چیده و خیس بوده‌است: «شالیا رو می‌ذاشتیم تو اتاقای سقف‌کوتاه که وسطش چوب و پوست و سبوس آروم‌آروم می‌سوخت. دود هم نم شالیا رو می‌گرفت و هم اگه آفت و سمی داشتن از بین می‌برد.»

دود صنوبر را خوش است

محمد که کارش در دودخانه کالبی‌پرکنی است، نوه بزرگ کاس‌آقاست. از کودکی اشتهایش را فقط عطر برنج هیزمی (دودی) باز می‌کرد: «واقعا بوی خوشمزه و خاطره‌انگیزی داره... یه بوی غلیظ، گرم، یه کم تلخ و یه کم هم چرب... جوونا خیلی دوست ندارن تو دودخونه‌های قدیمی کار کنن. به‌نظرشون کثیف‌کاریش زیاده.» منظورش از کثیف‌کاری همان دود سیاه و چربی است که از سوختن مداوم هیزم‌ها و روغن‌انداختن سبوس به سر و صورت کارگران دودخانه می‌نشیند. ۱۳سال از نخستین روزی که در دودخانه پدربزرگ خود آستین بالا زد و شالی‌ها را دود داد، می‌گذرد: «اولا نه می‌دونستم هیزم دودخانه باید از چه چوبی باشه و نه حتی چه رقم شالی‌ای برای دودی‌شدن خوبه.» حالا اما می‌داند چوب هیزم را باید از کشاورزان چوب که درختان زودرشدی مانند صنوبر می‌کارند، بخرد و رقم شالی‌های هاشمی و دُم‌سیاه را که قدشان با دود از ری نمی‌افتد و طعم‌شان هم نمی‌سوزد، دَم دود دودخانه دهد. اغلب هم‌سن‌وسالان او در دودخانه‌های صنعتی کارَ می‌کنند: «دود صنعتی بو و طعم اصیل به دونه‌های برنج نمی‌ده. اگه هم بده، موندگار نیست.» نمی‌خواهد پرحرفی کند، وگرنه دلش می‌خواست از دستگاه‌های برقی دودکن غذا هم چیزی بگوید.

خط قرمز دودخانه‌داران قدیمی

قربانعلی از دوستان دور کاس‌آقاست که از دودخانه او نان به سفره خود می‌برد: «آتیش زیر خاکستر نباید کم یا خاموش بشه. یه وقتی باید بار چوب زیرش بذارم، یه وقتی هم چند مُشت پوست و سبوس روش بریزم.» شالی‌ها را از ۱۴ تا ۱۸ و گاهی ۲۰روز دود می‌دهد: «هیزم درختی با اینکه گرون‌تره، ولی صاحبای دودخونه‌های قدیمی ترجیح می‌دن بیشتر از اون هیزما برای شالیا استفاده کنن.» سوزاندن تخته‌های چوبی ضایعاتی، چوب‌های رنگ‌شده و حتی چوب درختان کاج و راش که در تنه خود شیرابه دارند، از جمله خط قرمزهای شغلی دودخانه‌داران قدیمی است که قربانعلی درباره‌اش توضیح می‌دهد: «تو هر شغلی حقه و تقلب هست. مثلا بعضی دودخونه‌دارا هیزم نامرغوب یا حتی لاستیک و پلاستیک می‌سوزونن تا شالیا رو دودی کنن.» معمولا زمانی که آتش زیر خاکستر دودخانه را می‌پاید، «بجار سرخوندگی» یا همان شعر و آواز شالیکاری را زمزمه می‌کند. او از اسانس‌های طعم‌دهنده و مایع هم می‌گوید: «تو بعضی از کارگاه‌های دودکاری، اسانس دودی رو بخار می‌کنن تا به‌جای دود واقعی به شالیا بو و رنگ بده.»

مکث

پلودودی‌خوری از تهران تا ایتالیا



فرخ را در دودخانه مهندس دود صدا می‌زنند؛ مهندسی دانشگاه‌نرفته. فرخ می‌گوید: «شهرستان خمام از همه شهرها و روستاها بیشتر دودخونه سنتی داشت.» ۵۷سال دارد و او نیز از خاطراتش می‌گوید: «از پدرم شنیده بودم که خیلی از شالیکارا یا خریدارای برنج، می‌رفتن خمام. یه سرپایی هم بودن که پدرم می‌گفت اونا تبدیل گرن... کارشون خرید شالی به قیمت تولید بود و فروختن به دودخونه‌دارا با قیمت بالاتر. بعضیاشون هم بعد از اینکه شالیا رو دودی می‌کردن، با قیمت خیلی بالاتر می‌فروختن.» از مشتری‌های دودخانه‌های سنتی و صنعتی می‌گوید: «مشتریای برنج هیزمی سنتی از خارج کشور هم هستن. دودخونه ما از آلمان و فرانسه و ایتالیا مشتری کم نداره. توی خود ایران هم بیشتر مشتریا از تهران، اصفهان و مشهد و بعدم شیراز هستن.» کارگران دودخانه کاس‌آقا با آنکه هریک به‌کار خود هستند، اما به وقت چیدن کالبی‌ها، سینه‌کش دیوارهای سیاه دودخانه، دست به دست هم می‌دهند. کالبی‌ها را طوری روی هم می‌گذارند که دود، جای چرخیدن میان آنها را داشته باشد. آنها آتش دودخانه‌ها را که بخشی از تاریخ کشاورزی ایران‌اند، روشن و گرم نگه داشته‌اند.